

اعلام تاریخی افغانستان

(۲)

«آریا» که صورت اسم خاص همان نام قدیم چندین هزار ساله است که اول در مورد قبائل آرتو باشند. دوطرفه هندوکش استعمال می شد و بعدتر باشندگان بین گنگاه و سواحل خلیج فارس راهم در برمی گرفت و دیگر کلمه (نا) که در حقیقت همان (ن) مفتوحه است و (اریان) اسم جمع را اسم مسکن ساخته و (آریان) یا (آریانا) مسکن آریائی معنی می دهد پسان ها به این وزن و آهنگ اسمای زیادی در کشور مایند آمدند مانند «ساکستان» مسکن اسکائی ها (درنجیانا مسکن زرنجی ها «بکتریانا» مسکن باختری ها و غیره پس (آریانا) بصورت واضح وبدون شائبه و ریب بر «مسکن آریاها» اطلاق میشود و این قدیمترین اسمی است که باشندگان آریائی دوطرفه هندوکش به مسکن زیباو خاک فشنگ خویش داده اند باشندگان آریائی دوطرفه هندوکش که از جانب شمال و شمال شرق باتورانی ها و از جانب غرب باسامی ها و از جانب جنوب شرق بادر اویدی هاتماس داشتند نامی برای خود و برای خاک خود بمیان آور دند تا از تمام عناصر بیگانه تمیز شوند و به همین ترتیب تمیز هم شدند.

وقتیکه وارد دوره اوستائی تاریخی کشور خویش میشویم می بینیم که این رویه درین سیاست قدیم ملی شکل و مفهوم واضح تر بخود گرفته مسکن آریائی قدیم یعنی آریانا دارای ولایات ۱۶ گانه مشخص و مرتب شده و پادشاهان نیرومند ما به سه طرف فوق الذکر با عنصر مخالف و بیگانه در جنگ و ستیز اند. آریانا دارای مرکزی بزرگ و محتمشی مانند «بخدی» شده و پرچم های سلطنتی فراز آرک شاهی را اهتزاز است وضعیت اجتماعی دوره ویدی تغییر کرده رونما و امرای قبیلوی جای خود را به پادشاهان نیرومند و حتی به سلاطین بزرگ خالی کرده اند و این پادشاهان نیرومند از بخدی بر تمام خاک آریانا سیادت می کنند و دارای یاره متصرفاتی هم خارج حدود آن میباشند و واضح در اوستا سخن از امیر اطوری آریائی در میان است : در روشنائی اوستا ولایات آریانا ژا بیکه بیکه می بینیم و قرار ذیل اند :

(۱) ایرنام و یجو (۲) سنده (۳) هورده (۴) بخدی (۵) نیسایا (۶) هرویو (۷) وی-کرنه (۸) اوروا (۹) خنتستا (۱۰) هرهویٹی (۱۱) هتومنت (۱۲) راغا (۱۳) کخره (۱۴) وارنا (۱۵) هپته هند (۱۶) رانگه یا (رانقه) که برای درک در خصوصیات آن هر کدام عاجزده مراجعه شود و تمام آن روی معرفت طوری بهلوی هم افتاده اند که از سطح مجموع آن افغانستان قدیم یا آریانا تشکیل می کرد. این قطعات که هر کدام پارچه نئی از مسکن مردان چلیل است در اوستا بصفه زمین زیبا و اعلا یاد شده و بعضی های آن خصوصی تر به صفات دیگر یاد شده مانند بخدی بصفه «زیبا» و فشنگ و دارای بیرق های بلند و این حقیقت را مدققین دال به مرکزیت این قطعه میدانند همین قسم خطهری ویتی یعنی حوزه شاداب ار غنداب بصفه (فشنگ و زیبا) وای تومنت حوزه هیرمند بصفه خطه (درخشان بافتنخار) یاد شده است چیز بسیار عجیب است که ۱۶ قطعه زمینی که اوستا بعبث خاک های آریا نشین یا مسکن آریائی یعنی آریانا اسم می برده اش طوری بهم متصل و پیوست واقع شده اند که از مجموع یک قطعه خاک بزرگ با سرحدات مشخص بمیان می آید و این بزرگترین دلیلی است که در نظر آریا های عصر

اویستانی مسکن آریائی ازخرد حدو حدود معین داشت که روی هم رفته بطرف شمال و شمال شرق جریان سردریا و بطرف شرق خط اندوس و بجنوب بحرزرگ یعنی اوقیانوس هندو بطرف غرب خطی بین سواحل خزر و خلیج فارس رادبر می گرفت پروان اویستا و دانایان این عصر در چوکات طبیعی رودخانه های بزرگ و سواحل اوقیانوس حدود خاک آریائی نشین را معین کرده و چون بطرف غرب چنین فاصل طبیعی بوده از روی تذکار ولایات غربی آریانا تا حد آرا معین می توانیم تا اینکه مؤرخین کلاسیک می آیند و سرحد غربی را هم طوری معین می کنند که او ستا ولایات ۱۶ گانه خود را ترتیب داده است اوستا علاوه بر ذکر ۱۶ قطعه خاک آریائی نشین که مجموع آن منسک آریانا را تشکیل میداد از جزئیات ساختمان داخل این قطعات بخوبی آگاهی داشت رودخانه های بزرگ و معاونین آنها دریاچه ها و قلل مرتفعه و شاخه های فرعی جبال هر کدام را به نحوی می شناسد که اسباب حیرت میشود چنانچه هندوکش بنام « یویائی ری سینا » سفید کوه بنام « سیپتا گونا گبری » سیا کوه بنام « سیامیکه » کوه بابانام « زره دهزا » کوه های پروان بنام « یوروواتا » و کوه های تیرا بنام « ستیرا » خوانده شده همین قسم رودخانه های آموبه اسم « ویلتیا » اندوس به اسم « سندهو » هری رود به اسم « هری وا » میرمند به اسم « هینو منت » ارغنداب به اسم « هری ویتی » خسیاس به اسم « خوا سپه » خاش رود به اسم « هواسترا » فراه رود به اسم « فراوتا » یاد گردیده است و روشن معلوم میشود که اویستا چقدر به اراضی آریا نشین دو طرفه هندوکش یعنی آریانا آشنائی و شناسائی داشت .

ازین تشریحات بخوبی فهمیده میشود که آریاهای کشور ما در عصر اوستائی معلومات خود را از نقطه نظر جغرافیایی و تقسیمات طبعی و جغرافیای واداری مملکت، خاک خیلی وسعت داده بودند تا اندازه که سرودها و از خلال آن اسطوره های قدیمی اشاره می کنند .

یادگار های زنده گانی آریائی در چوکاتی که ذکر نمودیم تمرکز دارد و خاک های دو طرفه هندوکش کانون آریائی و آریا نشینی تلقی شده است و قبائل آریائی که ازین جامها جرت کرده اند چه در خاطر است قدیم و چه در تفسیرات امروزی « مهندرهایش » آریائی همین سرزمین دو طرفه هندوکش را میدنند .

از دوره های ویدی و اوستائی به بعد اسم « آریان » بحیث نام قدیم مملکت از خاطرات اهالی کشور ما محو نشده بلکه مخصوص به کشور ما بود . آشوری ها زمانی که بر قبائل « ماد » و « یارسوا » بدفعات هجوم آورده و شهزاده گان ایشان را اسیر کرده اند گاهی در کتیبه های خود از تجاوز بخاک آریان یا آریانا یا اقلای به کلام تعبیر دیگر بخاک آریائی نشین اسم نبرده اند خود « مادها » و یارسی ها و قتیبه که از سلطه آشوری رهائی یافته و از خود سلطت ها تشکیل کرده اند قلمرو و حوزه و سلطت خود را بنام های خود « مدیا » و « فارس » یا کرده اند دارا یوش بزرگترین شاهنشاه هخامنشی خود را آریا و از نژاد آریا می خواند اما پادشاه فارس و کشور فارس لقب ازین ها واضح معلوم میشود که مفهوم آریان و آریانان درین حصه معمول

و معروف نبوده تا اینکه باز اول کلمه آریانا بامفهوم شخص و تعین جغرافیائی با آراتوستنس (Eratosthenes) یونانی در نیمه اول قرن سوم ق م ظهور میکنند و استرابو از زبان آراتوستنس حد و حدود ولایات و قبائل مسکونه آریانا را واضح و دقیق شرح میدهد و واضح معلوم میشود که آریانا غیر از مدیا و فارس علاقه وسیعی بطرف شرق در پای دامنه های یک رشته کوه های پسند افتاده بود اگر اسم آریانا در نزد ما شده گمان کشور ما معاصر « آراتوستنس » وجود و حدود جغرافیائی معین نمیداشت چطور دفعتاً در نگارشات بکنفر خارجی تازه وارد کسب وجود میکرد و بعد از او جمعی از مؤرخین و جغرافیه نگاران کلاسیک مثل « استرابو » و بطلمیوس آنرا استعمال میکردند .

« آراتوستنس » آنچه درین زمینه نوشته متأسفانه از بین رفته ولی خوشبختانه استرابو (۶۰ ق م ۱۹۰ م) و بعد از او بطلمیوس جغرافیه نگار یونانی مصری، یبنی و « ایولودوروس » اسم آریانا را در مورد مملکت ما استعمال کرده اند .

« استرابو » حدود آریانا را از زبان آراتوستنس « چنین مینویسد : (سرحد شمال شرقی آریانا رود اندوس (سند) حد جنوبی آن اوقیانوس بزرگ (بحر هند) خط شمالی آن کوه یارویا میزوس و یک سلسله کوه های که از شمال هند تا بند آب خزر میرود . قسمت غربی آنرا خطی معین میکنند که « یارتیا » را از (مدیا) و « کرمان » را از « فارس » جدا میسازد . در حدود شمالی آریانا اشتباه نشود خود استرابو و « ایولو دوروس ارتمیس » Aoiolo dorus of Artemis با تفصیلات مزید آنرا توضیح میکنند بقرار نگارشات مؤلف اخیر الذکر بکترینا قسمت عمده و زیبا ترین حصه آریانا بشمار میرفت چنانچه بکترینا را مروارید آریانا « خوانده بهمین منوال « ایولودوروس و استرابو مشترکاً یک سفدیان را جز « آریانا قلمداد کرده اند و چون سفدیان در حصه زیاد دوره های تاریخی جز و باختر بود و از طرف شاهان باختری و حکمفرمایان آن اداره میشد و پیش از ورود عناصر ترکی ، عنصر آریائی در آنجا زیست می کرد در نگارشات مؤرخین کلاسیک شبه و تردیدی نیست بناء علیه سرحد شمالی آریانا اساساً رود سر دریا بوده و در بعضی دوره های تاریخی بعلت تجاوز قبائل ترکی و فعلی رودخانه آمو خط فاصل آریانا و توران شده است سرحد غربی آریانا را مؤلفین کلاسیک درست تشخیص کرده اند و عبارت از خطی بوده که از گوشه شرقی سواحل جنوبی بحیره خزر جدا شده و از مغرب بلوچستان فعلی بسواحل بحیره هند پوست میشد و خطی بود که (یارتیا) را از (مدیا) و (کرمان) را از (فارس) و (یارتا کنه) جدا میساخت و این کار بست حسابی زیرامدیا و فارس تاریخی هر دو بیرون میماند و یارتیا و کرمان که ولایاتی از آریانای قدیم بودند داخل آن می آمد . باقی سرحدات شرقی و جنوبی هر دو طبیعی بود و خط جریان اوندوس (سند) و سواحل بحیره هند شبهه نمی پیش نمی کرد .

این بود چوکات آریانا به شهادت مؤرخین و جغرافیه نگاران کلاسیک یونانی که روی همرفته بامعلومات جغرافیائی اوستا کمال هم آهنگی و موافقت دارد تمام اصطلاحات تاریخی و جغرافیائی دوره های بعد از همین کلمه آریانا و از همین مفهوم جغرافیائی تولید شده است .

مؤلفین کلاسیک در داخل حدودی که ذکر کردیم به تذکار ولایات آریانا هم پر داخته اند درین مورد نگارشات بطلموس صریح و واضح میباشد مشارالیه در داخل آریانا هفت ولایت بزرگ جدا کرده و « یلو » به استناد بطلموس این هفت ولایت را چنین شرح میدهد .

(۱) مارجیاننا (حوزه مرغاب) ۲ بکتریانا (بلخ و بدخشان) ۳ آریا (ولایت هرات) ۴ یارو پامیزوس (هزاره جات و کابل تا سواحل اندوس معاً نورستان درستان) ۵ در آنجیاننا (سیستان و قندهار) (۶) اراکودیا (غزنی و سلسله کوه سلیمان تا اندوس) (۷) جدورزیا (کچ و مکران یا بلوچستان) تقسیمات بطلموس خیلی اساسی و از روی تقسیمات خاک و آب بود . مؤلفین کلاسیک یونانی و لاتین گذشته از سرحدات و ولایات از اقوام و باشندگان داخل آریانا هم صحبت کرده اند . استرابوز یاروپامیزادی آری نی ، در انجی ، آراکونی ، جد روزی اسم میبرد . پینسی اقوام روی نی ، دورسی در انجی ، اور جتشی ، جد روزی ، متوری سی ، یوربی ، داری تلبسی یازیر ، ایکتو فاجی را ذکر میکنند و اینها جز عده معدودی از باشندگان قدیم آریانا نیست بطلموس علاوه بر باشندگان بر شهرهای هر ولایت آریانا روشنی های مزید می اندازد و خوانندگان برای مطالب مفصل تر به ماخذ دیگر ضمناً به کتاب « آریانا » مؤلفه کهزاد مراجعه کنند .

تسمیه آریانا برای کشور ما همان طوریکه ذکر کردیم از روز ظهور آریاها در دوطرفه هندو کش پیدا شده در عصری دوری بعضی دره ها ورود خانه های آن من حیث جغرافیا ذکر گردید و در دوره اوستائی ولایات و تا اندازه ای حدود آن بصورت معینی تشبث گردید و از قرن سوم ق م به بعد با نگارشات مؤلفین یونانی علم گردیده و از نقطه نظر علم جغرافیا حد و حدود آن با ولایات مشخص شد و در اصطلاحات علمی و جغرافیایی و تاریخی و نژادی به تعریف مختلف داخل گردید .

در قرن ۱۸ و ۱۹ زمانیکه اروپائی ها با مملکت ما تماس پیدا کردند بعد از قرن ها فراموشی این اسم مورد استعمال قدیم خود را یافته و دفعتاً با مفهوم جغرافیایی صریح وحد و حدود معین و ولایات مشخص استعمال شد و کسانی که آنرا استعمال نموده اند ازین قرار اند :
 اچ ، اچ ، والس (H.H.Wilson) کتاب بزرگ خود را که دارای ۴۵۲ صفحه میباشد و از مسکوکات و آثار باستانی افغانستان صحبت میکنند بنام (آریانا انتی کوا) (یعنی آریانای عتیق) موسوم ساخته است : ییلو H.W.Bilew در کتاب « تجسس در باب نژاد افغانستان » An Inquiry in to the Ethnology of Afghapnistan

کلمه آریانا را استعمال میکنند .

راولنسن H.G.Rovolinson در کتاب بکتریانا Bactria کلمه -

- آریانا را از زبان استرابو استعمال نموده است .

موسیو فوشه A.Foucher در کتاب صنعت گریک و بودیک گندهارا کلمه (آریان) را

در مورد خاک کشور ما استعمال نموده است . (بافیدارد)